

متن زیر را با دقت بخوانید. کلمه هایی که غلط نوشته شده اند را مشخص کنید و شکل صحیح آن را بنویسید.

اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق، روشنایی افزایش اندر و قفلت از این و نااندیشیدن، تاریکی افزایش اندر دل و نادانی، گمراهی است.

ریحانه از گروه برخواست و از بقیه ی گروه ها اجازه خاست و گفت: گروه ما ریشه ی همه ی پدیده ها و اشیا را در اخلاق نیکو و رفتار پسنده می داند. هر کسی شخصیت خود را در رفتار و عمل خیش نمایان می کند. اخلاق، ایمان، دانش و اندیشه ی ما در رفتار و گفتار ما آشکار می شود.

در زمان قدیم، پادشاهی بود که به شکار و گردش الاقه داشت و پیوسته به قسد شکار، اسب می تاختو کمند در گردن هیوانات می انداخت. پادشاه از حرکت باز آورده گشت و جام را زیر کوه گرفت تا مالمال شد و خاست که به لب رساند. رکاب دار صراصیمه از کوه پایین آمد و آنچه را دیده بود به ارض رسانید.

داستان زندگی من از همان آقاز تاریخ میحن عزیزمان، ایران، شروع شده است و همچنان با شور و شادابی ادامه دارد. اکنون بگزارید خودم را کمی بیشتر معرفی کنم. من، چند چهره دارم: یکی آوا و ثدا که در گفتار ظاهر می شود و شما با گوش دادن، آن را می فهمید. چهره ی دوم، خط است که در نوشتار آشکار می شود.

و تن، خانه ی شماست و من آمل پیوستگی و اتحاد همه ی اعضای این خانه ام.

هفت خوان، نام هفت مرحله از نبردهای رستم با نیروهای احریمنی و گزشتن از دشواری هاست.

رستم با جست و جوی فراوان، چشمه ای می یابد، آبی می نوشد و سروتن می شوید و رخس را طیمار می کند و پس از نخجیر به خاب می رود. رستم به کمک رخس نبردی صهمگین با اژدها داشت و پس از آن، با خدای خود به راز و نیاز می پردازد و او را سپاس می گذارد. رستم با پشت سر گذاشتن هفت مرحله بسیار دشوار و خترناک یاران خود را از بند دیوان نجات داد.

باز خورد آموزگار



نیاز به تلاش بیشتر



قابل قبول است



خوب



خیلی خوب

متن زیر را با دقت بخوانید. کلمه هایی که غلط نوشته شده اند را مشخص کنید و شکل صحیح آن را بنویسید.

اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق، روشنایی افزایش اندر و **قفلت** از این و نااندیشیدن، تاریکی افزایش اندر دل و نادانی، **گمراچی** است.

ریحانه از گروه **برخواست** و از بقیه ی گروه ها اجازه **خواست** و گفت: گروه ما ریشه ی همه ی پدیده ها و اشیا را در اخلاق نیکو و رفتار **پصندیده** می داند. هر کسی **شخصیت** خود را در رفتار و عمل **خیش** نمایان می کند. اخلاق، ایمان، دانش و اندیشه ی ما در رفتار و گفتار ما آشکار می شود.

در زمان قدیم، پادشاهی بود که به شکار و گردش **الاقه** داشت و پیوسته به **قسد** شکار، اسب می **تاختو** کمند در گردن **هیوانات** می انداخت. پادشاه از حرکت باز آورده گشت و جام را زیر کوه گرفت تا ملامال شد و **خواست** که به لب رساند. رکاب دار **صراصیمه** از کوه پایین آمد و آنچه را دیده بود به **ارض** رسانید.

داستان زندگی من از همان **آقاز** تاریخ **میحن** عزیزمان، ایران، شروع شده است و همچنان با شور و شادابی ادامه دارد. اکنون **بگزارید** خودم را کمی بیشتر معرفی کنم. من، چند چهره دارم: یکی **آوا** و **ثدا** که در گفتار **ضاهر** می شود و شما با گوش دادن، آن را می فهمید. چهره ی دوم، خط است که در نوشتار آشکار می شود.

وتن، خانه ی شماست و من **آمل** پیوستگی و اتحاد همه ی **عضای** این خانه ام.

هفت **خوان** نام هفت **مرهله** از نبردهای رستم با نیروهای **احریمنی** و **گزشتن** از دشواری هاست.

رستم با جست و جوی فراوان، چشمه ای می یابد، آبی می نوشد و سروتن می شوید و رخس را **طیمار** می کند و پس از **نخجیر** به **خاب** می رود. رستم به کمک رخس نبردی **صهمگین** با اژدها داشت و پس از آن، با خدای خود به راز و نیاز می پردازد و او را سپاس **می گذارد** رستم با پشت سر **گزاشتن** هفت مرحله بسیار دشوار و **خترناک** یاران خود را از بند دیوان نجات داد.

باز خورد آموزگار



نیاز به تلاش بیشتر



قابل قبول است



خوب



خیلی خوب